

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی

روح‌اله اسلامی*

چکیده

جمهوری اسلامی ایران از آغاز شکل‌گیری نظام سیاسی مبتنی بر الاهیات و اخلاق اسلامی قصد داشته است که عرصه سیاست داخلی و خارجی را رویه‌ای فرهنگی قلمداد کند که با توجه به گزاره‌های ورود اخلاق، معنویت و ارزش‌ها به سیاست شکل جدیدی از اعمال و محدود شدن قدرت را سامان‌دهی کند. اصول عدل، توحید، وارد کردن متافیزیک در سیاست، نفی سبیل، توحید، عدالت، نقد مدیریت جهانی و هژمونی لیبرال دموکراسی، حمایت از جنبش‌های اسلامی - انسانی و ظلم‌ستیزی دارای مبانی است که توجیه‌کننده، توجه به افکار عمومی در سطح بین‌الملل می‌باشد. ایران بعد از سی سال از استقرار جمهوری اسلامی دارای اعتباری در میان کشورهای منطقه و دنیا است و این نوشتار قصد دارد نحوه پیاده شدن اینگونه از وجهه که نمودی از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌باشد را مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار دهد. تمرکز اصلی این نوشتار بر دیپلماسی عمومی ایران است، اینکه چگونه ایران اهداف، ابزارها و توان نهادی و انسانی خود را در تحولات قرن بیست و یکم در مورد بیداری اسلامی پیاده کرد. این نوشتار تحلیلی است از دیپلماسی عمومی ایران و سازوکارهای فرهنگی آن در محیط بین‌الملل به قصد رام و خودی کردن حرکت‌های مردمی جهان عرب که در قالب روش تحلیل نهادگرایی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آخر نیز راهکارهایی برای فعال شدن دیپلماسی عمومی ایران ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی عمومی، نهادگرایی، بیداری اسلامی

* عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

بیان مسئله

مدرنیته روندی مکانیکی داشت و در عرصه مدیریت انسانی مهم این بود که چه کسی پشت ماشین دولت بنشیند و او بود که جامعه را به هر سو که می‌خواست می‌کشاند. مکانیک وجه غالب تکنولوژی قدرت در دوران مدرن می‌باشد که عناصر نخبه‌گرایی آن به خوبی مشهود بود (فوکو ۱۳۸۹، ۱: ۱۴-۱۸). هر چه به قرن بیست و یکم نزدیک شدیم، وجوهی از تکنولوژی‌های جدید در عرصه قدرت نمایانگر شدند که نسبت به شهروندان، مردم و افکار عمومی نمی‌توانستند بی‌طرف، بی‌تفاوت و خاموش باشند. به ناگاه قدرت اسطوره‌ای و لویتانی دولت که انحصارگر قدرت، ارزش و اطلاعات بود در هم شکست و شهروندان با شعار تنفر از سیاست سعی کردند^۱، به جای اینکه در قالب دولت ملت‌های خونی، نژادی و جغرافیایی تصمیم‌گیری کنند، وارد فضای جهانی شدند. یکی از چهره‌های قدرت سیاسی مربوط به وجه خارجی، روابط بین‌الملل و فنون دیپلماتیکی کشورها می‌باشد. دیپلماسی عصر کلاسیک مبتنی بر ویژگی‌های سفیر، مراودات سفارت خانه‌ها و تحرکات وزارت امور خارجه در قالب دیدارها و پیام‌های رسمی اما محرمانه بود. حتی در دوره مدرن نیز نمایندگان سیاسی کشورها و پدیدارهای رفتاری آنها در وجوهی از اشرافیت و نخبه سالاری بسیار اریستوکرات مخفی شده بود. به محض اینکه جهان از رسانه‌ها و تکنولوژی‌های چاپی و تصویری - توده‌ای درآمد و قدم به عصر اطلاعات و رسانه‌های کاربرگرا و مخاطب محور گذاشت به ناگاه عرصه دیپلماسی با چرخشی بسیار بزرگ مواجه گردید. چرخشی که به جای نخبه‌گرایی و اشرافیت سالاری بر افکار عمومی و توجه به محیط‌های مجازی متمرکز گردید و به جای معاملات و معاهدات ناشی از هزینه و فایده در قدرت سخت به سمت کسب وجهه و کمک از قدرت نرم و هوشمند برآمد. به این ترتیب در اواخر قرن بیستم دیپلماسی عمومی شکل گرفت که بر وجوه ایدئولوژیکی، تبلیغی، رسانه‌ای، فرهنگی و اثرگذاری بر افکار عمومی به صورت ناخودآگاهی تاکید

۱. کالین‌های در رساله‌ای پژوهشی و کاملاً آماری نشان می‌دهد که چگونه شهروندان در حال‌گریز از سیاست‌های رسمی هستند. بنگرید به کتاب:

Hay, Colin (2007), *why we hate politics*, London: polity press

داشت (Hocking, 2005: 33-35).

این نوشتار به دنبال بررسی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در مورد بیداری اسلامی می‌باشد. زمانی که جهان میان دو قطب توسعه مارکسیستی چپ‌گرا و لیبرالیستی راست‌گرا گرفتار شده بود، یعنی در سی سال پیش جمهوری اسلامی ایران هدف انقلاب اسلامی را فرهنگ و تغییر نمادها، ارزش‌ها و اخلاق انسانی عنوان کرد. ایران بعد از انقلاب به دنبال وارد کردن عنصر ارزش‌ها، هنجارها و اصول متعالی و مذهبی در سیاست بود (Arjomand, 1988: 202-210) و کشورهای استبدادی و محافظه‌کار منطقه به همراه همپیمانان استراتژیک چپ و راست، نگره‌های دیپلماسی اسلامی مبتنی بر امت محوری، نفی سبیل، حاکمیت خداوند، جهاد، عدالت و ظلم ستیزی را باور نداشتند و تنها در حد شعار می‌دانستند. در آن دوره اغلب جنبش‌های جهادی و فعال جهان اسلام در مصر، عراق، لبنان و حتی پاکستان سرکوب شدند و تنها ایران بود که حکومت اسلامی تشکیل و شعارشان به جای تکیه بر وجوه رسمی، دولتی و استاندارد سیاست مبتنی بر وجوه مخفی، حاشیه‌ای و توجه به ملت‌های مظلوم بود. دغدغه ایران وارد کردن عنصر اخلاق و متافیزیک الهی در عصر جدید بود که در زمان خود جدی گرفته نشد. به ناگاه شوروی فروپاشید و در یک اقدام بسیار زیرکانه غرب اسلام را به عنوان غیریت مطرح کرد و به شکل‌های گوناگون در جهان اسلام را مورد تهاجم قرار داد. در قرن بیست و یکم کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا کشورهای خاورمیانه علیه رژیم‌های استبدادی، فاسد، وابسته و پدرسالار خود قیام کردند. این نوشتار به بررسی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران که از سی سال پیش دغدغه افکار عمومی و توجه به ملت‌ها را داشته است می‌پردازد و قصد دارد به روشی علمی به ارائه نقد و راهکار جهت بهره‌گیری بهتر از فرهنگ اسلامی در عصر اطلاعات به خصوص در موضوع بیداری اسلامی آغاز شده است، پردازد.

روش‌شناسی (نهادگرایی)

نهادگرایی روش ظاهری و محتوایی جمع‌آوری اطلاعات در نوشتار حاضر است. نهاد به

شکل سازمانی و غیر شخصی‌ای می‌گویند که فرایند سیاست‌گذاری را دارای قانون و مناسبات از پیش تعیین شده می‌سازد. در دوران متافیزیکی و سنتی آنچه در اعمال و محدود کردن قدرت اهمیت داشت ویژگی‌های حاکم شهر، قبیله، کشور و یا امپراطوری بود. حکمرانی به معنای سلطنت و اقتدار عالی تعریف می‌گردید که برنامه ریزی عمومی واحد سیاسی را بدون رویه‌های از پیش تعیین شده در شکل فردی و دلبخواهی منوط به تصمیمات بالاترین فرد هرم حاکمیت می‌ساخت. بسیاری از متفکران از افلاطون، فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، خواجه نظام‌الملک و... سعی کردند که صفات و ویژگی‌های اخلاقی و آرمانی را برای حکمرانی در قالب نظریه انسان آرمانی یا فیلسوف شاه قرار دهند تا تبعات تصمیمات فردی و اغلب استبدادی حاکمان را در متافیزیک‌های مذهبی، فلسفی، عرفانی و سیاست نامه نویسی قرار دهند. نهادگرایی بر خلاف اندرزنانه‌ها که سیاست را دارای پدیدار حکمرانی بر خود می‌گیرد^۱ به تکنولوژی‌های قدرت مدرن وابسته است و سعی دارد با استفاده از غیرشخصی کردن، قانونی ساختن و سلسله مراتبی انجام دادن امور عمومی رویه‌ای عقلانی، تخصصی و شورایی از چرخش قدرت، ثروت، اطلاعات و ارزش‌ها را در جامعه سامان دهی کند (Rhodes, 2006: 60-106).

نهادگرایی در علم سیاست زمانی به وجود آمد که دولت ملی شکل اصلی واحدهای سیاسی درآمد و مبارزه میان ساختارهای محافظه کار بروکراتیک و سازه‌های انتقادی دموکراسی روند تاریخ بشر را میان قدرت شهروندان و قدرت نخبگان تقسیم کرد (Jessop, 2006: 114). ماهیت درونی نهادگرایی بر قانونی استوار است که ساختارهای بروکراتیک غیر شخصی می‌سازد به نحوی که همه را مجبور می‌کند در آن ساختارها به تصمیم سازی مشغول باشند. نهادها به لحاظ ماهیتی نمی‌توانند وابسته معرفت‌های اریستوکرات باشند بلکه اغلب از وجوه کیفی و اشرافی از یکسو و وجوه نظامی و

۱. برای بحث حکمرانی بر خود و شبکه‌های قدرت در سامانه‌های متافیزیکی و قدرت شبانی بنگرید به: میشل فوکو، تئاتر فلسفه، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی، ۱۳۸۹، به خصوص مقاله تکنیک‌های خود صص ۳۶۵-۴۰۵

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی ■ ۵۰۳

استبدادی از سوی دیگر فرار میکنند و خود را میان تعادل‌های اخلاق تخصصی نخبگان و اخلاق توده‌ای شهروندان نگه می‌دارند. نهاد با استفاده از دانش و تخصص نخبگان به ساختاری بسیار اثرگذار تبدیل می‌شود که می‌تواند مشکلات جامعه را با بهترین راه حل مصلحتی حل و فصل کند و از سوی دیگر با استفاده از انتقادات و تمنیات متغیر و آزادی خواهانه شهروندان متعادل می‌شود تا چون آب در مرداب، قدرت نخبگان ساکن نشود و فساد به بار نیاورد.

در این نوشتار از تقسیم کار، قانون‌گرایی، ساختار بروکراتیک، نهادهای مردمی انتقادی بهره گرفته‌ایم و سعی داریم دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران را در قالب هنجارهای نهادی قرار دهیم و آنچه را که نهادهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد بیداری اسلامی انجام داده‌اند را مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار دهیم. البته در مورد نهادگرایی قرن بیست و یکم با توجه به ماهیت قدرت نرم و وجوه سایبری، دیپلماسی عمومی سعی می‌شود که ساختار تجدید نظرطلبانه این روش نیز به کار گرفته شود (Beyme, 2006: 745-752). به خصوص فرهنگ انتقادی و ارتباطی و پیوند برقرار کردن نهادها با توجه به اهمیت نهادهای شهروند محور، نهادهای غیر دولتی جهانی و ساختارهای دولت الکترونیک تأکیدی است که باعث همزمانی پیوند روش نهادگرایی با دیپلماسی عمومی می‌گردد. در این مقاله نهادهای اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مثل نهاد رهبری، نهاد وزارت امور خارجه، نهاد مجلس، نهادهای رسانه‌ای، نهادهای دانشگاهی و نهادهای مردمی مورد تأکید قرار می‌گیرند. اینکه سیاست‌های این نهادها در مورد وجوه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در مورد بیداری اسلامی چگونه بوده است؟ چه اقداماتی انجام داده‌اند؟ چه ضعف‌هایی داشته‌اند و برای قدرتمند شدن وجهه و اعتبار عمومی جمهوری اسلامی ایران جهت مدیریت و سامان‌دهی افکار عمومی در مورد بیداری اسلامی چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

دیپلماسی عمومی

سیاست دارای تکنیک‌های عملی و فنی است که کمتر به نوشتار تئوریک می‌آیند. در

دوران یونان قلمروی اخلاق، تدبیر منزل (اقتصاد) و تدبیر اداره شهر (سیاست) را در دانش‌های عملی قرار می‌دادند (آرنت، ۱۳۹۰: ۷۱). سیاست چون با انسان‌ها به صورت جمعی و از سوی دیگر با جذاب‌ترین و پرطرفدارترین کنش انسان یعنی فرایندها و سازوکارهای تولید و توزیع قدرت سروکار دارد، به راحتی نمی‌توان آن را در قلمرو دانش‌های نظری به حساب آورد. در دوره مدرن با توجه به تکنولوژی‌های قدرت مکانیکی و بروکراتیکی سیاست توانست وجهی علمی پیدا کند اما آنچه مربوط به تخصصی شدن و فرایندهای علمی اداره عمومی کشور بود تنها در داخل مرزهای دولت ملی کارآیی داشت. به محض اینکه انسان‌هایی با تمدن، زبان، فرهنگ، مذهب، نژاد و تاریخ مختلف در عرصه بین‌الملل برای خواسته‌های بی‌شمار و پایان‌ناپذیر دور هم جمع می‌شدند، قواعد خاصی برای تعریف، تحلیل، پیش‌بینی و مدیریت کنش‌های سیاسی بین‌المللی پیدا نمی‌شد. آنارشی موجود در محیط بازی کنشگران بین‌المللی در دوره مدرن تنها با رویکردهای آرمان‌گرایی مثل خلق قواعد اقتصاد، حقوق و سازمان‌های بین‌الملل از یکسو و رویکردهای واقع‌گرا موازنه قوا، ائتلاف‌های استراتژیک و افزایش توان نظامی به قصد بقا از سوی دیگر، قابل نظم دهی بود. در چنین شرایطی علم دیپلماسی شکل می‌گیرد تا با استفاده از همه دانش‌ها و فنون ارتباطی تنش و درگیری میان کشورها را به حداقل برساند و از خشونت‌ها و جنگ‌های ویرانگر ناشی از سوءفهم‌هایی که در بازی‌های با حاصل جمع صفر به وجود می‌آید بکاهد. دیپلماسی عملی‌ترین و فن‌گراترین گرایش علم سیاست به حساب می‌آید که هویت خود را در افزایش ارتباطات بازیگران بین‌المللی به قصد متعادل کردن خواسته‌ها در یک معامله و بازی برد، برد معنی می‌کند^۱ (Berridge, 2001: 62-63).

در دوران سلاطین و حاکمان مستبد، دیپلماسی به صورت ارتباطات محدود و غیر

1. **diplomacy.** (1) The conduct of relations between sovereign states through the medium of officials based at home or abroad, the latter being either members of their state's diplomatic service or temporary diplomats. (2) The use of tact in dealing with people. Diplomacy in this sense is a skill which is hugely important in the conduct of diplomacy (3) Any attempt to promote international negotiations, whether concerning inter- or intra-state conflicts; hence 'track two diplomacy'. (4) Foreign policy. The use of the word 'diplomacy' as a synonym for foreign policy, which is especially common in the United States, can obscure the important distinction between policy and the (non-violent) means by which it is executed.

رسمی دنبال می‌شد و اغلب سفیران به صورت نمایندگان اعلی‌حضرتان قبیله‌ای، برای رساندن نامه و دستورات به کار گرفته می‌شدند. با شکل‌گیری دولت ملی ارتباطات میان دولت‌ملت‌ها از طریق تاسیس سفارت‌خانه و ایجاد وزارت امور خارجه به صورت بروکراتیک، رسمی و با قواعد کنسولی و دیپلماتیک بین‌المللی دنبال گردید. در این دوران سفیر در حکم جاسوس نبود بلکه کشورها موظف بودند با احترام و ساختارهای اشرافی با یکدیگر در قالب قواعد و عرف بین‌الملل رابطه داشته باشند. دیپلماسی در عصر دولت ملی با استفاده از ساز و کارهای بروکراتیک - خطی نخبه‌گرا، سازمانی و حکومتی بود. بعد از پیدا شدن عصر اطلاعات و به وجود آمدن دنیایی سایبر و مجازی دیپلماسی نیز تغییر شکل پیدا کرد. جهان دو قطبی فرو پاشید، حاشیه‌ها به متن آمدند، جهانی شدن رو به رشد گذاشت، شهروندان جهانی شکل گرفتند و متناسب با این فرایند دیپلماسی نیز شکل مجازی، سایبری، نرم، اطلاعاتی و از همه مهم‌تر عمومی پیدا شد (Taylor, 2009: 16).

دیپلماسی عمومی به دنبال این است که وجوه ارتباطی و فنون اعتماد و کسب وجهه را برای بازیگران بین‌المللی افزایش دهد و با توجه به ارتباطی که با افکار عمومی در سطوح ملتها و شهروندان پیدا می‌کند اصلی‌ترین وظیفه اش وارد کردن عنصر اخلاق، راستی و اعتماد به دیپلماسی می‌باشد (Izadi, 2009: 349). دیپلماسی عمومی بر خلاف دیپلماسی رسمی دوران مکانیکی - بروکراتی پیوند بسیار زیادی با هنجارها و ارزش‌ها دارد چرا که هویت سازه‌ای خود را از قدرت نرمی می‌گیرد که مدام توسط شهروندان در حال ارزیابی و انتقاد می‌باشد. کشوری که بهتر بتواند با سازوکارهای نهادی عصر اطلاعات کنار بیاید و دیپلماسی خود را به لحاظ محتوایی و فیزیکی به نحوی سامان‌دهی کند که وجهه و اعتبار خوبی در افکار عمومی داشته باشد از قدرت نرم و هوشمند جذب‌کننده استفاده کرده است و به کشوری تنفربرانگیز، دروغ‌گو، بی‌اعتبار و دارای قدرت منفی تبدیل نمی‌شود. دیپلماسی عمومی کاملاً جدید است و به مجموعه اقدامات بازیگران دولتی و غیردولتی گفته می‌شود که قصد دارند با تمام راستی خود را از سطوح تنفربرانگیز تبلیغات و جنگ روانی دور کنند و با راستی، اخلاق و اعتماد، افکار عمومی را به دست آورند تا دارای جذابیتی باشند که قدرت نرم تولید می‌کند و بر شهروندان جهانی اثرگذار باشد

(Mueller, 2009: 103-106).

در این نوشتار ما دولت الکترونیک و سایبری، فضای رسانه‌ای، دانشگاهی و نهادهای عصر اطلاعات دستگاہ سیاست خارجی ایران را مورد واکاوی قرار می‌دهیم تا بررسی کنیم که آیا دیپلماسی عمومی که ارتباط زیادی به فرهنگ، اندیشه، اخلاق و... دارد توانسته است در مورد جمهوری اسلامی ایران به صورتی به عرصه قانون‌گذاری و اجرا درآید که قدرت نرم برای ایران تولید کند به نحوی که بر افکار عمومی کشورهای عربی در بیداری اسلامی اثر گذاشته باشد و تنفر آنها را تبدیل به دوستی و یارگیری نماید؟ آیا توانسته است اعتماد و رضایت شهروندان معترض عرب را به نحوی به دست آورد که به هویت ایرانی احترام بگذارند و در مرتبه‌ای بالاتر ایران را به عنوان الگوی مطلوب خود انتخاب کنند؟ به هر حال ما به دنبال سازوکارهای ایدئولوژیک و قدرت نرم مخفی جمهوری اسلامی ایران هستیم که با تمام سازوکارهای خود چگونه عمل کرده است، دارای چه ضعف‌هایی است و چه انجام دهد بهتر نتیجه خواهد گرفت؟

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران

ایران از جمله کشورهایی است که با توجه به ویژگی‌های خاصی که دارد توانایی خلق قدرت نرم و جاذبه الگو شدن را داراست. البته پیش از آنکه کشوری به سمت الگودهی در روابط منطقه و بین‌الملل حرکت کند باید در ابتدا هویت به کار گرفته شده در سازوبرگ‌های ایدئولوژیک وزارت امور خارجه مورد تایید شهروندانش قرار گیرد (Nye, 2008: 54-72). یرسش اصلی این است که جمهوری اسلامی ایران دارای چه نوع قدرت نرمی در سطح بین‌المللی و خصوصا در میان کشورهای اسلامی است؟ آیا کشورهای عربی که رژیم‌های فاسد و استبدادی خود را که وابسته به مرکز قدرت بین‌الملل بودند و باعث تحقیر شهروندان عربی شده بودند انداختند اکنون، قدرت نرم ایران می‌تواند برای آنها جاذبه داشته باشد و آیا آنها به دنبال شکل‌دهی ساختارها و سازه‌هایی هستند که از ایران الگو برداری شده است؟ اکنون سیاست‌گذاران و مجریان سیاست خارجی ایران اعتقاد دارند که در وجوه گوناگون وجهه و اعتبار ایران در منطقه و حتی سطح بین‌الملل به رسمیت شناخته شده می‌باشد. ایران دارای اعتبار و قدرت نرم در سطح منطقه است و بسیاری بر اسلام

سیاسی، فقه شیعه، اجتهاد و مصلحت، رهبری و ولایت فقیه، اجرای احکام و ظواهر اسلامی، نقد نظام سلطه و رسوا کردن هژمونی لیبرالیستی نظام سکولار و سرمایه‌داری جهان، حمایت از جنبش‌های اسلامی مثل حماس، حزب اله^۱ و گروه‌های مقاومت در عراق، افغانستان و مصر و همین‌طور سطح بالای دانش مهندسی، پزشکی، اطلاعاتی و امنیتی ایران تاکید دارند. بنابراین این‌گونه از وجوه قدرت و ساختارهای فرهنگی و سیاسی دارای پتانسیل الگو برداری است به نحوی که گروه‌های جوان مصری که دشمن اسرائیل هستند از ساختار سپاه، بسیج و نیروهای مقاومت در ایران الگو برداری می‌کنند. یا راشد الغنوشی رهبر اسلام‌گرای تونس خود را شاگرد امام خمینی می‌داند و بسیاری از تجربه‌هایی که کشورهای بیاخواسته عربی در حال شکل دهی آن هستند در ایران قبلاً تجربه شده است. بنابراین سطح بالای دانش، تکنولوژی، استقلال و سیاست همراه با دیانت در ایران الگویی برای کشورهای منطقه به حساب می‌آید به نحوی که بعد از سقوط طالبان در افغانستان و صدام حسین در عراق رژیم سیاسی هر دو کشور به همان جمهوری اسلامی که ایران مبتکر آن بود به لحاظ محتوایی کشیده شد. ایران در قرن بیست و یکم جایگاه تاثیرگذاری در تحولات منطقه‌ای و جهانی پیدا کرده است و اغلب رویه‌های اعتراضی در جهان عرب و تهاجمی از سوی آمریکا و متحدانش به نفع ایران تمام شده است. بنابراین ایرانیان بر اساس گفته‌های ابن خلدون و ابن طفیل همیشه سابقه تمدنی و باستانی باشکوه خود را در ذهن دارند و به راحتی دورانی را که امپراطور نیمی از کره زمین بودند را فراموش نمی‌کنند (جابری، ۱۳۸۹: ۴۵۲). ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی چهارراه شرق و غرب به حساب می‌آید و با قرار گرفتن در مرکز کره زمین به لحاظ جغرافیای سیاسی بر جریان عبور انرژی دنیا نظارت دارد و اصلی‌ترین و حساس‌ترین تنگه بین المللی دنیا یعنی هرمز را در اختیار گرفته است. ایران مرز جهان شرق - عرفان و غرب - علم است. موقعیت خاص ایران به لحاظ داشتن نقش ارتباطی و میانجی بودن آن را ناگزیر از داشتن نقش بین المللی اثرگذار ساخته است و این فرایند به خصوص در عصر اطلاعات و افزایش

۱. برای یک تحلیل بدبینانه و مغرضانه در مورد نفوذ ایران بر حزب اله و حماس به پژوهش زیر بنگرید:

Iran hizbulah, hamas, 2007 Jerusalem Center for Public Affairs; www.jcpa.org ... particular article Brig. Gen. (Ret.) Dr. Shimon Shapira and Daniel Diker, Iran's Second Islamic Revolution: Strategic Implications for the West: pp 33-55

تعاملات بین‌المللی بیشتر شده است. البته بسیاری از کشورهای عربی، اروپایی و حتی چین و روسیه به دنبال آن هستند که انرژی نهفته شده ایران را سرکوب کنند و مانع بهره‌گیری ایرانیان از توان ارتباطی شوند تا در این میان از تحریم، انزوا و حاشیه‌ای بودن ایران استفاده کنند. به لحاظ تاریخی نیز سابقه تمدن اسلامی و باستانی باعث شده است که ایرانیان باور داشته باشند که در روزگار باستان امپراطور بوده‌اند و دوران اسلامی نیز اغلب دستاوردهای اسلام از ایرانیان می‌باشد. زمینه‌های نعمت‌خدادادی و ثروت‌های طبیعی، معدنی و جغرافیایی باعث شده است که احساس قدرت منطقه بودن در ذهن و ناخودآگاه جمعی ایرانیان همیشه تقویت شود. این گونه از احساسات در پنج نوع قدرت نرم است که شکل‌دهنده رفتارهای سیاسی ایرانی است جمع شده است.

۱- قدرت نرم ایرانی: اعتبار ایران در متن باستانی دارای جاذبه‌های بسیار زیادی می‌باشد. هر چند در سال‌های اخیر کشورهای همسایه که سابقه تمدنی مستقلی ندارند به دنبال آن هستند که فارابی، ابن‌سینا، مولوی، زرتشت و حتی جشن نوروز را در نهادهای بین‌المللی به نام خود ثبت کنند. ایران در منطقه و جهان به عنوان کشوری شناخته می‌شود که دارای سابقه تمدنی و امپراطوری می‌باشد و این سابقه طولانی رویه‌ای باشکوه را برای ایران به حساب آورده است. بسیاری از کشورهای غربی، حوزه خلیج فارس، دریای خزر، فرزندان امپراطوری ایران به حساب می‌آمدند و در چند صد سال اخیر مستقل شده‌اند. ایران به خصوص در کشورهای افغانستان، تاجیکستان و هند دارای قدرت نرم زبانی و تمدنی می‌باشد. آداب و رسوم، جشن‌ها، نام‌ها و نمادهای ایرانی، نوروز و مهرگان از سنت‌هایی است که در جهان به رسمیت شناخته شده است. برخی از میراث ایرانی نیز خود را در سیاست‌نامه‌ها، ادبیات، اندرنامه‌ها جا داده است که حتی در دوره اسلامی نیز به حیات خود ادامه دادند. زبان فارسی^۱، منشور حقوق بشر کوروش، قوانین حمورابی، معماری‌های ایران باستان و سبک اندیشه و کنش سیاسی امپراطوری‌های ایران باستان قدرت نرم ایرانی به حساب می‌آید.

۱. بنگرید به رساله بسیار عمیق و پژوهشی دکتر آذرتاش آذرنوش، چالش میان فارسی و عربی، تهران: نی،

۲- قدرت نرم اسلامی: ایران کشوری اسلامی است که بسیاری از رفتارهای فردی و جمعی شهروندانش در درون متافیزیک اسلامی معنادار می‌شوند. پیامبر که درود خداوند بر او و خاندانش پاکش باد، انسانی بسیار پرجاذبه و اثرگذار بودند. علت جاذبه ایشان توجه و احترام به هویت‌های اطراف، خردمند دانستن انسان‌ها و توجه به نکات بسیار ریز و آدابی بود که ایشان در رفتار خود رعایت می‌کردند. همیشه اول سلام می‌کردند، دست خود را اول نمی‌کشیدند، خوش پوش بودند و از عطر استفاده می‌کردند، بسیار کم حرف می‌زدند و اغلب ساکت بودند، با حاشیه‌هایی که فرهنگ عرب به کناری زده بودشان مثل زنان، جوانان، برده‌ها و کودکان بسیار خوش رفتار بودند. مجموعه اخلاق با ادب و امین پیامبر، او را رهبر یک میلیارد مسلمانی کرده است که شیفته او می‌باشند. یکی از ابعاد قدرت نرم ایران گزاره‌هایی است که از دین اسلام به ارث گرفته است و اکنون می‌تواند در برخورد با کشورهای منطقه و حتی با دنیا از آنها استفاده کند.

۳- قدرت نرم شیعی: قدرت نفوذ اسلام برای ایرانیان از آن جهت است که برای خود الگوهای ولایی و امامت را بعد از پیامبر تداوم وحی می‌دانند. متن مقدس برای ایرانیان تمام نشده است بلکه فیض الهی از طریق انسان‌های آرمانی که در میان مردم در حال زندگی کردن می‌باشند منتقل می‌شود. فرهنگ شیعی مبانی اختیار، عقلانیت، عدالت و امامت را داراست که باعث می‌شود ایرانیان در برابر مسائل روز با استفاده از منطقه الفراغ با روش‌های اجتهادی مصلحت را وارد مسائل اجتماعی سازند و آرمان‌های ذهنی خود را به صورت غیرخسونت آمیز دنبال کنند (پطروشفسکی، ۲۵۷: ۱۳۵۴-۲۹۳). علاوه بر وجوه شیعی عناصر عرفانی و تاویل‌گرایی بسیار حکمتی‌ای نیز وجود دارد که از دوران اسماعیلیان تا ملاصدرا و حتی در زمانه کنونی نیز ایران را دارای جاذبه‌های متافیزیکی از معرفت‌های فتوت‌گرا ساخته است (Corbin, 2007: 212-235). به عنوان مثال روایت‌های ناصر خسرو تا مولوی حتی حافظ و سعدی دارای ابعدی از قدرت نرم است که راهگشای بسیاری از تنگ‌ناهای بشر معاصر به حساب می‌آید^۱. بعد از ۱۱ سپتامبر و حمله

۱. برای مثال بنگرید به آثار شیعی کدکندی، زرین کوب و یا نوشتار بسیار دغدغه مند دکتر مهدی پرهام با عنوان: حافظ و قرن بیست و یکم، تهران: نشر شالوده ۱۳۷۹- همین‌طور رساله انتقاد از خرد و عقلانیت غربی و دفاع از عرفان ایرانی به نام حافظ و عرفان ایرانی نوشته خسرو ملاح، تهران فروزان، ۱۳۸۵

کشورهای غربی به خاورمیانه و به خصوص در دهه اول قرن بیست و یکم با فروپاشی کشورهای مستبد و وابسته عربی عنصر شیعی منطقه در حال پررنگ تر شدن می‌باشد. ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و گروه‌های مقاومتی چون حماس و حزب اله دارای پتانسیل الگو سازی است.

۴- قدرت نرم اسلام سیاسی: ایرانیان از تمام کشورهای اسلامی جلوتر هستند و توانسته اند با استفاده از مبانی اندیشه‌های اسلامی حکومت و نظام سیاسی بنا کنند. کشورهای اسلامی یا در جنگ‌های قبیله‌ای به سر می‌برند، یا به دست نیروهای سکولار نظامی و مستبدان قبیله‌ای اداره می‌شوند، یا دارای نیروهای بنیادگرایی می‌باشند که اندیشه جهادی و آرمان‌های متکثر بدون مصلحت آنها قابلیت اجرا شدن ندارد. تنها ایران است که تجربه اسلام سیاسی دارد و توانسته است با توجه به زندگی پیامبر(ص) و امام علی(ع) شیوه‌های آنها در اعمال کردن و محدود کردن قدرت را عملیاتی سازند. گروه‌های جهادی و تبلیغی در جهان اسلام از دیوبندی‌ها تا جماعت تبلیغ و اخوان المسلمین حتی القاعده هیچ یک نتوانستند تعادلی میان خواسته‌های خود و نیروهای داخلی و خارجی کشورهای اسلامی به دست آورند و اغلب با رادیکال گرایی و استراتژی‌های خشونت آمیز مسلمانان را دچار برچسب‌های تروریستی کرده‌اند. ایرانیان شیوه‌های عدالت، شورا، بیعت، مصلحت، اجتهاد و... را در قالب مردم سالاری دینی و سبک جمهوری اسلامی پیاده کردند و اسلام سیاسی را با استفاده از نهادهای رهبری، تشخیص مصلحت، مجلس، شورای نگهبان و... پیاده سازی کردند. اکنون ایران به لحاظ داشتن شبکه‌های اجتماعی مدنی، مذهبی و مقاومتی در قالب گروه‌های غیردولتی، بسیج، سپاه و شبکه‌های مساجد و سیستم‌های سیاست گذاری شرعی و عرفی الگوی نمونه را ایجاد کرده است که در علم سیاست جهانی نیز قابل ارائه شدن می‌باشد.

۵- قدرت نرم معاصر: از سوی دیگر ایران کشوری است که دارای قدرت نرم به لحاظ برخورداری از وجوه تکنولوژی‌های مدرن و پسامدرن می‌باشد. هر چند که این تکنولوژی‌ها به علت همسایه بودن با کشورهای ناهل و بی سامان و دخالت‌های خارجی در منطقه اغلت سمت و سوهای نظامی و امنیتی پیدا کرده است. به این علت ایران دارای جاذبه می-

باشد، زیرا جز اولین کشورهای است که وارد جهان مدرن شده است. ایران همزمان با ژاپن جلودار همه کشورهای آسیایی حکومت خود را مشروطه کرد^۱ و امور عمومی را به شیوه قانون نوشته قراردادگرایی و بروکراسی سامان دهی کرد. تکنولوژی‌های قدرت مدرن و حتی پسامدرن در ایران بسیار سریع رشد کرد و بعد از مدتی الگوهای بومی ایرانی-اسلامی برای منطقه پیشرو قلمداد گردید. ایران در زمینه‌های پزشکی، هسته ای، پتروشیمی، نفت، امنیتی، موشکی و دانش‌های مهندسی در منطقه پیشرو می‌باشد. البته توقعات شهروندان ایرانی به علت تحصیلات، رشد شهرنشینی، مهاجرت و جوانی جمعیت در حال افزایش می‌باشد به نحوی که گاه از سیاست‌های نظام سیاسی جلو می‌افتد و مصلحت‌ها را در نظر نمی‌گیرند.

بیداری اسلامی

کشورهای اسلامی در قرن بیستم بسیار تلاش کردند که دوران باشکوه و آرمانی پیامبر را دوباره زنده کنند و با توجه به شرایط و مقتضیات زمان عقلانیت اسلامی را در زندگی روزمره شان وارد سازند. بعد از دوران صفویه در ایران، عثمانی در غرب جهان اسلام و گورکانیان در هند کشورهای اسلامی رو به ضعف نهادند. اروپا، آمریکا و برخی کشورهای جهان سومی در حال دست یابی به تکنولوژی‌های جدید اداره طبیعت و انسان‌ها بودند و وارد مدرنیته گردیدند اما جهان اسلام در عقب ماندگی، فقر، مرضی، جنگ، تفرقه و تکه تکه شدن قرار داشت. در صد سال اخیر از ابتدای قرن بیستم کشورهای اسلامی پیشرو مثل ایران، مصر، ترکیه، عربستان و... تلاش بسیار زیادی کردند که اسلام و تکنولوژی‌های جدید انسانی و طبیعی را به یکدیگر پیوند بزنند. دست آوردهای فکری هرگاه با کنش‌های جمعی مسلمانان همراه می‌شد توانایی خلق حوادث تاریخی را ایجاد می‌کرد. حوادث تاریخی باعث به راه افتادن جنبش‌های می‌گردید که اغلب به صورت زنجیره وار همه کشورهای منطقه می‌شد و حتی جهان را درگیر می‌ساخت. ایران، عراق، ترکیه، پاکستان،

۱. برای مثال بنگرید به رساله بسیار پیشرو ابتدای مشروطه در مورد حقوق اساسی / منصورالسلطنه عدل،

حقوق اساسی یا اصول مشروطیت، به اهتمام علی اصغر حقدار، نشر نی، ۱۳۸۸

افغانستان، مصر، تونس، عربستان و... به شکل‌های گوناگون تا کنون تجربه چهار موج بیداری را داشته‌اند. موج اول اصلاحی و مشروطه خواهانه بود که در پیوند اسلامی سیاسی لیبرالی و حداقلی با مبانی دموکراسی خواهی به وجود آمد. انقلاب مشروطه در ایران، مصر، ترکیه اثرگذار بود اما به ناگاه مشروطه به صورت اصلاحات تدریجی و بومی شکست می‌خورد و با دخالت کشورهای خارجی و رادیکال شدن نیروهای اجتماعی داخلی به صورت حذف یکدیگر به سمت دیکتاتوری‌های توسعه گرا سوق پیدا می‌کند. موج دوم بیداری جهان اسلام با اندیشه‌های انتقادی آغاز می‌شود و با شعار حداکثری بازگشت به خویشتن رویه‌های انقلابی را ایجاد می‌کند که البته تنها در ایران موج دوم موفق به تشکیل حکومتی به نام جمهوری اسلامی می‌گردد. موج سوم بیداری جهان اسلام در پی نابودی شوروی ایجاد می‌شود که دغدغه بازگشت به سلف صالح و مدینه فاضله نبوی به صورت برداشت کاملاً اسلامی از متن دارد. این موج با ترویج خشونت و دادن ابزار مداخله به دست کشورهای خارجی به بیداری ضد اسلامی بدل می‌شود چرا که اسلام را تروریستی معرفی می‌کند. اما موج آخر در قرن بیست و یکم شکل می‌گیرد و باعث ایجاد جنبش‌هایی بدون رهبر و بدون ایدئولوژی می‌گردد که اکنون ما در کشورهای عربی شاهد به وقوع پیوستن آن به صورت ارائه اسلام تکثرگرا و مدنی هستیم.

«چهار موج گفتمانی بیداری جهان اسلام»

گفتمان موج اول بیداری اسلامی	گفتمان موج دوم بیداری اسلامی	گفتمان موج سوم بیداری اسلامی	گفتمان موج چهارم بیداری اسلامی	
۱۸۵۰-۱۹۵۰	۱۹۵۰-۱۹۷۰	۱۹۷۰-۱۹۹۰	۱۹۹۰-۲۰۱۰	بستر زمانی
گفتمان اصلاح‌گرا	گفتمان انتقادی	گفتمان رادیکال	گفتمان مدنی	نام موج
مشروطه	انقلاب	تروریسم	شورش‌های مدنی	تحول سیاسی مشهور
سیدجمال- عبدالرزاق نائینی- رشید رضا	شریعتی آل احمد امام خمینی (ره)	سید قطب	راشد غنوشی	متفکران اصلی
مدرنیسم اولیه	مدرنیسم میانه	مدرنیسم پایانی	پسا مدرنیسم	فضای بین الملل

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی ■ ۵۱۳

تکنر + تساهل اسلام	جهاد + بنیادگرایی اسلام	طبقات محروم + حکومت اسلام	عقلانیت توسعه + اسلام	یارگیری خودی‌ها
فضای سایبر و شبکه- ای	فضای مدرنیسم متأخر	رادیو تلویزیون	تکنولوژی شفاهی + کتبی	تکنولوژی رسانه‌ای
تکنر + تساهل + دموکراسی + اقلیت‌ها + حکومت‌های ائتلافی پارلمانی	تروریسم + جهاد + جنبش + پارتیزانی + بمب + انتحاری + القاعده طالبان	حکومت اسلامی + قانون اسلامی + ولایت فقیه + طبقات محروم + وحدت جهان اسلام (امت) گفتمان حکومت اسلامی جمهوری اسلامی	عقلانیت + اسلام + آزادی + مبارزه با غرب + وحدت اسلام + مدرنیسم + اسلام مشروطه	عناصر گفتمانی دال‌ها
دموکراسی پارلمانی	تروریسم و بنیادگرایی	جمهوری اسلامی	مشروطه خواهی دیکتاتوری توسعه‌گرا	نتایج

دخالت‌های خارجی، رادیکال‌گرایی حذفی گروه‌های اجتماعی، رسانه‌های پرحرف یک‌طرفه، سیستم‌های رانتی اقتصادی و مذهب سلفی محافظه‌کار در کشورهای عربی باعث شده بود که حتی در قرن بیست و یکم نیز جهان امیدی برای گزار به دموکراسی اعراب نداشته باشد. به ناگاه ثروت‌های بادآورده باعث شد که تحصیلات در کشورهای عربی بالا رفت، فرهنگ شهرنشینی با مهاجرت از روستاها به شهرها افزایش یافت، طبقه متوسط بدون حق رای و انتقاد شکل گرفت، تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی همچون ماهواره، موبایل و به خصوص اینترنت با امکان مقایسه ناخودآگاهی اعراب با سایر نقاط جهان رواج سریع پیدا کرد و باعث شد که تغییرات از سطوح زیرزمینی، مخفی و اندیشه‌ای به سمت کنش‌های جمعی و انقلابی حرکت کند. اعراب به خصوص بخش شمال آفریقا که دارای شبکه‌های اجتماعی گسترده و پراکنده و جامعه مدنی نیمه بند بودند توانستند امکان‌های وضعیت خوب را در ذهن خود متصور شوند و به ناگاه شهروندان عرب، ریاست جمهوری‌ها و شیخ نشین‌های خود را فاسد، ناتوان، قبیله‌ای و متعصب دیدند که در حال نابود کردن کشورشان بدون توجه به مصالح عمومی می‌باشند. رژیم‌های سیاسی عرب فاسد

و غریزی بودند و قدرت شبانی و پدرسالار خود را به صورت عریان بر رعیت اعمال می‌کردند. قذافی آبروی جهان عرب را با حماقت‌ها و بی‌ادبی‌های خود برده بود و بن‌علی، مبارک، آل سعود، آل خلیفه و بسیاری از رهبران، ریاست جمهوری‌ها و شیخان عرب قدرت را رها نمی‌کردند. در این میان ابتدا تونس‌ها با اعتراض علیه بیکاری و فقر جنبش را آغاز کردند و بعد از چندی موفق شدند بن‌علی را فراری دهند. مردم مصر مبارک و پسرانش را از قدرت انداختند و شورای نظامی مشغول انتقال مدیریت شده قدرت به شهروندان می‌باشد. معترضان لیبی با حمایت ناتو، لیبی را از چنگال دیوانه‌ای روانی بیرون کشیدند و او در خشم انتقام ملتی تحقیر شده در برابر موبایل‌های روشن به شکلی فجیع کشته شد. شهروندان بحرین، یمن، سوریه، آذربایجان و عربستان به روش‌های مختلف در گیر و دار تحولات منطقه و معامله کشورهای گوناگون هنوز به خواست خود نرسیده‌اند. آنچه مشخص است حرکت جوانان و خصوصا زنان تحصیل کرده و معترضی است که به فساد، تحقیر، ناکارآمدی و وابستگی کشورهای عربی اعتراض دارند. این جنبش‌ها به لحاظ اینکه در جغرافیای کشورهای اسلامی اتفاق می‌افتد و اغلب در قضیه فلسطین رویه‌ای واحد خواهند گرفت نوعی بیداری اسلامی مدنی قلمداد می‌شود. البته درگیری‌های نیروهای اجتماعی، شهروندان، احزاب، اصناف، کشورهای خارجی در جریان است و هنوز سمت و سوی تحولات مشخص نیست. کشورهای عربی تونس، مصر، لیبی در حال حرکت به سمت الگوهای نظام سیاسی پارلمانی هستند. پارلمان اسلامگرایی که اغلب توسط ارتش کنترل می‌شد. سوریه میان ایران، روسیه، چین از یکسو و آمریکا و اروپا از سوی دیگر در حال تجربه جنگ داخلی می‌باشد. بحرین و یمن نیز سپر بالای عربستان شده‌اند تا قبل از فراگیر شدن جنبش در پایتخت اسلام - مرکز انرژی دنیا سرکوب گردند. قطر و عربستان دیپلماسی رسانه‌ای و بسیار باج‌دهنده‌ای در تحولات اخیر راه انداخته‌اند و سعی می‌کنند با دادن امتیاز به کشورهای اروپایی و آمریکایی در تحریم ایران و روسیه موضوع دموکراسی و حقوق بشری خود را مخفی نگه دارند و مجوز سرکوب‌ها را به دست آورند. ترکیه به دنبال مدیریت تحولات اخیر است و با استفاده از نوعی سکولاریسم ملایم و اسلام مدنی که برخاسته از دکترین حزب عدالت می‌باشد، کشورهای لیبی، مصر و تونس

را به سمت خود بکشاند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی نیز همه تلاش خود را به کار می‌برد تا نشان دهد این جنبش‌ها، اسلامی و ضد غربی هستند و از انقلاب اسلامی ایران منتج شده‌اند.

ساز و برگ‌های^۱ نهادی دیپلماسی عمومی ج ۱۱ در بیداری اسلامی شهروندان، قدرت سیاسی، رسانه‌ها و جنبش‌ها برای داشتن برنامه، سلسله مراتب و هدف ناگزیرند دارای نهاد باشند. جمهوری اسلامی ایران در شکل اثرگذاری و مدیریت جنبش‌های عربی در قرن بیست و یکم بسیار علاقه دارد که در آینه تحولات عربی سیمای انقلاب اسلامی را به صورت بیداری اسلامی مشاهده کند. شهروندان، احزاب، رسانه‌ها، وزارت امور خارجه، دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها در این میان برای دنبال کردن منافع جمهوری اسلامی ایران ساختار نهادی به خود گرفته‌اند. در ادامه نوشتار قصد داریم سازوبرگ‌های نهادی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در مورد تحولات اعتراضی در کشورهای عربی را مورد بررسی قرار دهیم تا در نهایت به ارزیابی و ارائه راهکارهای مناسب از منظر دیپلماسی عمومی بپردازیم.

۱- رهبری و نهادهای وابسته: ولایت فقیه میراث انقلاب اسلامی است که توانست شکل عرفی، جنبشی و تبلور ملت را به صورت یک نهاد دارای ضمانت اجرا درآورد. در ایران ولی فقیه که رهبر سیاسی و مذهبی شهروندان به حساب می‌آید بالاترین مقام اعلام سیاست‌های کلان کشور محسوب می‌شود. تعیین فرماندهان، رئیس صدا سیما، اعلام جنگ و صلح و در برخی مواقع پیشنهاد و پذیرفتن وزیر امور داخله، خارجه، اطلاعات و دفاع بر عهده اوست. از همان ابتدای حرکت اعتراضی در کشورهای عربی آیت اله خامنه‌ای به

۱. واژه سازوبرگ‌ها را از لویی آلتوسر گرفته‌ام. این متفکر ساختارگرا سازوبرگ‌ها را برای قدرت نرم و شیوه‌های استیضاح و سوژه سازی شهروندان توسط قدرت با دستگاه‌های ایدئولوژیک رام ساز به کار می‌گرفت. به خصوص مقاله پنجم، کتاب با عنوان سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت در کتاب:

Althusser, Louis (1971), *Lenin And Philosophy and Other Essays*, Translated from the French by Ben Brewster, York And London: Monthly Review Pressnew (Ideology and Ideological State Apparatuses(Notes towards an Investigation) (January-April 1969))

صورت کاملاً رسمی و شفاف از جنبش‌های عربی حمایت کردند و واژه بیداری اسلامی را برای آنها به کار بردند. رهبر ایران و مجموعه نهادهای و مراکز تحت پوشش او انقلاب کشورهای عربی را تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ می‌دانند و می‌گویند که کشورهای عربی در حال انتخاب کردن مسیر ایران برای ایستادن در برابر الگوهای وارداتی غربی هستند. بالاترین نهاد رسمی دیپلماسی عمومی ایران از طریق شبکه‌های گسترده نماز جمعه و تظاهرات‌های پس از آن حمایت ایران از بیداری اسلامی را به افکار عمومی جهان مخابره می‌نماید. تا کنون آیت اله خامنه‌ای دو بار در خطبه‌های نماز جمعه با زبان عربی از جنبش‌های اسلامی حمایت کرده‌است و به صورت مفصل به تحلیل چرایی، چگونگی، آینده سنجی و راه کارهای اسلامی بودن آنها اشاره کرده است. رهبر ایران در ۱۵ بهمن ۱۳۸۹ و در ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ در خطبه‌های نماز جمعه که بازتاب بین‌المللی داشت و به زبان عربی پخش گردید دغدغه ایران را نسبت به برقراری آزادی و کرامت اسلامی در مصر، تونس، لیبی و کشورهای یمن و بحرین اعلام کردند.^۱ علاوه بر نماز جمعه ایشان به صورت دستور برای برقراری همایش و یا به حضور پذیرفتن متفکران و انقلابیون عربی، پیام ایران را برای افکار عمومی مسلمانان مخابره کرده‌اند. به عنوان مثال رهبر در ۲۶ شهریور ۱۳۹۰ شخصاً در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی حاضر شدند^۲ و در آنجا مقاله‌ای علمی را ارائه کردند. یا در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۰ جوانان انقلابی که از کشورهای عربی دعوت شده بودند حضور ایشان رفتند و آیت اله خامنه‌ای به صورت کامل برایشان سخنرانی کردند. پانزده نفر از جوانان عرب وقتی که به مصر بازگشتند دستگیر شدند. اکنون سایت آیت اله خامنه‌ای در عربستان از دسترس خارج شده است.

از سوی دیگر دکتر ولایتی که مشاور امور بین‌المللی رهبری است مسئول ایجاد مجمع جهانی بیداری اسلامی گردید. این مجمع کنگره‌ای را در ۲۶ و ۲۷ بهمن تشکیل داد به نحوی که پانصد اندیشمند خارجی در آن حضور داشتند. شورای مشورتی این مجمع از افرادی چون ابراهیم جعفری نخست وزیر سابق عراق، رمضان عبدالله رئیس جنبش اسلامی

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>

2. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17271>

فلسطین، قاضی حسین احمد رئیس جماعت اسلامی پاکستان، ساجد نبوی رئیس نهضت جعفریه پاکستان و مصطفی کمالاک دبیر کل حزب سعادت ترکیه تشکیل شده است که قرار است اساسنامه مجمع را در سه ماه آینده بنویسند. سایت بیداری اسلامی نیز با تفکیک کشورهای عربی و بخش‌های مجزای مقاله، گزارش، خبر، کاریکاتور و... با سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی با لینک پرس تیوی در حال فعالیت است.^۱

برخی از نهادهای تحقیقاتی و آموزشی نیز وجود دارند که مستقیم زیر نظر رهبری فعالیت دارند و بخشی از وظایفشان به ترویج قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان برمی‌گردد. به عنوان نمونه می‌توان به جامعه المصطفی اشاره کرد که در سال ۱۳۸۶ از تلفیق امور مدارس علمیه خارج از کشور و مرکز جهانی علوم اسلامی به ریاست علیرضا اعرافی تشکیل گردید و وظیفه اش جذب و بورس کردن طلاب علوم اسلامی از خارج کشور می‌باشد، تا کنون ۲۴ هزار طلبه از ۱۰۳ کشور جهان در این نهاد فارغ التحصیل شده^۲ و به کشور خودشان بازگشته اند. ماهیت تشکیلی این موسسه به دیپلماسی عمومی ایران برمی‌گردد که به نوعی ترویج مفاهیم و ارزش‌های اسلامی شیعی در کشورهای همسایه، منطقه و جهان می‌باشد. تا کنون این موسسه همایش‌های متعددی در زمینه بیداری اسلامی برگزار کرده است. مجمع جهانی تقریب مذاهب نیز با هدف وحدت جهان اسلام با ریاست محمد علی تسخیری در سال ۱۳۶۸ شروع به کار کرد. این مجمع کنفرانس وحدت را با ۲۷۰ نفر از ۵۰ کشور در ۱۵ بهمن سال ۹۰ برگزار می‌کند.^۳ مجمع تقریب در موضوع بیداری اسلامی بسیار فعال است و از احمدالطیب شیخ الازهر و راشد الغنوشی رهبر اسلام گرایان تونس دعوت کرده است.^۴ اکنون این مجمع در ۵۰ کشور انجمن‌های شیعی ایجاد کرده است. قرار است نشست بیداری اسلامی از ۱۹ تا ۲۱ بهمن در هتل آزادی برگزار شود.^۵ مجمع جهانی صلح اسلامی نیز در زمینه دیپلماسی عمومی ایران

1. <http://islamic-awakening.ir/?lang=fa>

2. <http://www.miu.ir/?siteid=1&siteid=1&pageid=170>

3. http://www.taqrrib.info/persian/index.php?option=com_content&view=article&id=1217:-50-&catid=43:taghribnews&Itemid=55

4. http://www.taqrrib.info/persian/index.php?option=com_content&view=article&id=1189:1390-10-12-09-48-35&catid=45:reports&Itemid=57

5. <http://www.taqrrib.info/persian/>

فعال است البته اکنون اغلب اقداماتش تحت تاثیر ترور ربانی قرار گرفته است.^۱ پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی به ریاست علی اکبر رشاد نیز در زمینه همایش‌های بیداری اسلامی فعال می‌باشد و کارگروه‌های نظام سیاسی اسلام و انقلاب اسلامی در این زمینه مشغول به کارند، به عنوان نمونه همایش بیداری اسلامی را در ۱۰ خرداد ۹۰ با حضور ۲۲ کشور برگزار کردند.^۲ موسسه پژوهشی فرهنگ انقلاب اسلامی نیز همایشی به عنوان نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام و رهبری طراحی کرده است.^۳

۲- ریاست جمهوری و نهادهای وابسته: بخش عملیاتی و برنامه ریزی که با توجه به اهداف، بودجه و توان باید سیاست‌گذاری دیپلماسی عمومی را انجام دهد نهادهای زیرمجموعه ریاست جمهوری هستند. در ایران رئیس‌جمهور قدرت دوم به لحاظ نهادی است و با استفاده از وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر وزارت خانه‌ها مثل نفت، اقتصاد و... درگیر رساندن پیام جمهوری اسلامی به افکار عمومی و حفظ جایگاه و پرستیژ ایران می‌باشند. نهاد ریاست جمهوری و به خصوص وزارت امور خارجه برخلاف نهادهای رهبری، مجلس، رسانه‌ای و دانشگاهی که از طریق سخنرانی، همایش و دادن خط و مشی، مسیر را مشخص می‌کنند، مستقیم در صحنه هستند و باید در میانه‌ای از تناقضات و خواسته‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی فعالیت کنند. دیپلماسی رسمی، پنهان و عمومی نهادهای ریاست جمهوری تبعات بسیار زیادی دارد و تا زمانی که اهداف نهادهای سیاست‌گذار به تکنیک‌های نهادهای اجرایی قابلیت تطبیق نداشته باشد امکان تحول برای رسیدن به اهداف ممکن نمی‌شود. نهادهای اجرایی در ایران بخصوص در وضعیت دیپلماسی عمومی به خاطر شعارهای متناقض، موازی و دور بودن از صحنه عملی سیاست در اجرا نتوانسته اند به دستاوردهای مشخصی دست پیدا کنند.

وزارت امور خارجه ایران به ناگاه از بحران داخلی انتخابات ۱۳۸۸ بیرون آمده بود که با اعتراضات کشورهای عربی روبه رو شد. در ابتدا وزارت امور خارجه به علت رابطه

1. <http://iwpeace.com/>

2. <http://iiict.ac.ir/>

3. <http://farsi.khamenei.ir/package?id=18164>

بسیار محدودی که با کشورهای مصر و تونس داشت نتوانست جز سخرانی، همایش و پیام فرستادن به کمک مردم این کشورها بشتابد. گروه‌های سلفی و سکولار هیچ یک ایران را قبول نداشتند و تنها شاخه‌های از میانه روها، جوانان و اخوان المسلمین به صورت ابزاری انتظار کمک از ایران را داشتند. مردم مصر موفق شدند بدون کمک خارجی و با دادن تلفات بسیار زیاد مبارک را از صحنه خارج کنند. در مصر شورای نظامی رهبری تحولات را به دست گرفت. این شورا الگوی ترکیه را از ایران بیشتر می‌پسندد و با رویکردی واقع‌گرایانه نمی‌خواهد منافع اقتصادی با آمریکا و غرب را به خاطر برقراری ارتباط با ایران از دست بدهد. ایران هنوز در مصر بعد از مبارک سفارتخانه ندارد و هر دو کشور به وضعیت ثبات در آینده و امکان‌های منفعت بار کم‌هزینه می‌اندیشند. هر چند که ایران پیشرو است اما احزاب اسلامگرا و حتی شورای نظامی مصر حاضر به پذیرفتن تبعات رابطه با ایران نیست. در تونس نیز اوضاع بر همین منوال است و این کشور با آمریکا، اروپا و به خصوص ترکیه رابطه مناسبی برقرار کرده است. وزارت امور خارجه در مورد لیبی بسیار دیر اقدام کرد. در زمان اعتراضات مردمی، ناتو این کشور را بمباران کرد تا به اصطلاح انقلابیون را به پیروزی نزدیک کند و بعدها بازیگران هالیوودی خود را برای دلجویی فرستاد^۱. ایران به علت مداخله ناتو شورای انقلابی را حتی بعد از پیروزی نیز دیر به رسمیت شناخت و نتوانست آنطور که در سخنرانی‌ها و همایش‌ها شعار می‌دادند در واقعیت شهروندان را کمک کنند. به نظر می‌آید که دستگاه سیاست خارجه ایران در بعد عملی، تکنیک‌های چانه زنی، ریسک کردن و تحمل هزینه چندان پیشگام نیست. در یمن و بحرین نیز در ظاهر همانطور که عربستان، آمریکا و غرب مداخله کردند ایران تنها شعار داد و مداخله‌ای به نفع انقلابیون انجام نداد. وزارت امور خارجه در تحولات منطقه به لحاظ اعلان مواضع به نفع شهروندان عرب وارد عمل شد و تمام دغدغه‌اش این بود که آمریکا و غرب نتوانند این تحولات را مدیریت کنند. در این میان نهاد وزارت امور خارجه

1. <http://www.persianweek.com/artist-news/others> - پناهندگان - لیبیا

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/96833> - عرب - ملت - های - از - م -

میان خواسته‌های تند داخل ایران، اتهامات غرب و عربستان و ماهیت کاملاً واقع‌گرای روابط بین‌الملل بسیار خنثی عمل کرد. با آنکه در دل آرزوی پیروزی مردم مصر، لیبی، یمن، بحرین، تونس و حتی سوریه را داشتیم اما نتوانستیم آنطور که باید وارد مذاکره، تهدید، معامله و به دست گرفتن تحولات شویم. در این زمینه بر خلاف شعارها و مواضع آشکار ایران کشورهای ترکیه، عربستان و به خصوص قطر در محیط واقعی سیاسی و دیپلماتیک فعالیت بیشتری انجام دادند.

با توجه به پیچیدگی و مشخص نبودن آینده و کنار آمدن نیروهای سلفی و سکولار با غرب و آمریکا، ایران باز هم به لاک شعاری و اندرزنامه‌ای خود بازگشت. همایش جوانان و بیداری اسلامی که از سوی وزارت امور خارجه در همین راستا بود که در ۹-۱۰ بهمن ۱۳۹۰ برگزار گردید^۱. آنچه بسیار جالب است کم‌کاری نهادهای وزارت خانه‌ای مثل اقتصاد، نفت، دفاع و... در این زمینه می‌باشد. اغلب نهادهای ریاست جمهوری نتوانستند شهروندان کشورهای عربی را که یکی از دلایل اعتراضشان اقتصاد، فقر، فاصله طبقاتی و... بود به سمت الگوها، مزیت‌ها و امکان‌های ایران بکشانند. به نحوی که رهبر اخوان المسلمین می‌گوید اقتصاد برای ما بسیار اهمیت دارد و به هیچ وجه قصد نداریم مراکز جهانگردی و فرصت‌های ناشی از آن را کنار بگذاریم، مسئله‌ای که آنقدر مهم بود که حمد بدیع "رهبر اخوان المسلمین و" آن پترسون" سفیر آمریکا در قاهره (اواخر دی ماه ۹۰) با یکدیگر دیدار کردند^۲.

نهاد دیگری که در دستگاه اجرایی مسئول پیاده کردن قدرت نرم ایران می‌باشد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی است. این سازمان با تایید مقام معظم رهبری از ادغام ۱۲ سازمان مشغول به کار فرهنگی در خارج از ایران در سال ۱۳۷۴ تشکیل شد که وظایف فرستادن سفیران فرهنگی، بخش فرهنگی وزارت امور خارجه و بخش بین‌الملل وزارت فرهنگ را برعهده گرفت. در هنگامه تحولات عربی ریاست این سازمان به دکتر محمدباقر خرمشاد استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی رسید، که تخصص انقلاب

1. <http://www.mfa.gov.ir/NewsShow.aspx?menu=-1&id=2734&lang=>

2. <http://www.jamnews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=51933>

اسلامی دارد. در سال نود برخی از زنان مسلمان مصری از سوی این نهاد به ایران دعوت شدند. در ۱۲ بهمن ۹۰ رادیو اینترنتی برای تونس راه اندازی شد. در یک گردهمایی شاعران تونس در کنگره شعر بیداری اسلامی دعوت شدند. همایش منطقه‌ای تجدد و اصالت دینی قانون اساسی نیز برگزار گردید. رایزنی‌های فرهنگی و مذهبی که در حال انتقال پیام ملی و اسلامی ایران به خارج می‌باشند همایش‌های بسیاری را در اروپا و آسیا ترتیب داده اند تا همچنان ایران در بعد سخنرانی، همایش و پیام دادن جلودار باشد. همایش «بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای» ۲۵ بهمن در برلین برگزار می‌شود.^۱ در ۲۸ دی ماه ۱۳۹۰ نیز همایش انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن اسلامی برگزار شد. سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز کاملاً تحت تاثیر فضای بیداری اسلامی قرار دارد.^۲ نسخه موبایل نشریات سازمان قابل نصب می‌باشد. قرار است در اردیبهشت سال ۱۳۹۱ نیز جایزه بیداری اسلامی در مورد کاریکاتور، عکس، پوستر به صورت تقدیم جایزه ۱۰ هزار یورویی برگزار شود.^۳

۳- نهادهای رسانه‌ای: الزامی‌ترین ابزار دیپلماسی عمومی رسانه‌ها و به خصوص بهره‌گیری از فضای سایبر می‌باشد. نظام سیاسی ایران برای مدیریت افکار عمومی داخل و خارج تمرکز اصلی‌اش را بر تلوزیون قرار داده است. روزنامه، کتاب و مجلات و فصلنامه‌ها اغلب دارای تیراژ پایین و درجه نفوذ بسیار محدود می‌باشند. فرهنگ ایرانی به علت ذات شفاهی، دم دستی و اقتدارگرا بیشتر به تولید پیام از بالا به پایین به صورت توده‌ای گرایش داد. تلوزیون برای ایران آنقدر اهمیت دارد که می‌توان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را چهارمین قوه حکومت نامید. در مورد دیپلماسی عمومی نیز همین تفکر رایج می‌باشد و تلوزیون، رسانه‌های مثل اینترنت، موبایل و رسانه‌های چایی را به حاشیه کشانده است. ایران برای اثرگذاری بر روندهای بیداری اسلامی منطقه تمام توان، بودجه و نیروی انسانی رسانه‌ای خود را در جهت سخنرانی، تبلیغ، تفسیر و تحلیل

1. <http://www.icro.ir/index.aspx?siteid=261&pageid=21789&newsview=576973>

2. <http://www.icro.ir/>

3. <http://www.ghatreh.com/news/nm8532834> - «جایزه جهانی بیداری اسلامی»

برگزار شود

اعتراضات مردمی اعراب گذاشت تا نشان دهد که اعتراضات ماهیتی اسلامی دارد و در جهت ضربه زدن به غرب به خصوص آمریکا و اسرائیل در جریان می‌باشند. شبکه‌های بین‌المللی جام جم ۱،۲ و ۳ بیشتر برای طیف ایرانیان خارج از کشور است و رویه‌ای به مثابه شبکه‌های داخل ایران را دنبال می‌کردند^۱. شبکه العالم که در سال ۲۰۰۳ تاسیس شده بود خود را رقیب بی بی سی عربی، الجزیره و العربیه می‌دانست و سعی داشت محافظه‌کاری و ایران‌هراسی که از سوی عربستان و قطر تبلیغ می‌گردید را خنثی کند. این شبکه عربی زبان دارای ۵۲ خبرنگار در ۴۰ کشور می‌باشد و در یک سال اخیر بر بیداری اسلامی تمرکز کرده است تا نشان دهد آنچه اعراب در حال انجامند همان است که ایرانیان در سال ۱۳۵۷ انجام داده‌اند^۲. شبکه الکوثر که در سال ۱۳۸۳ تاسیس گردید بیشتر بر شیعیان منطقه تاکید دارد و به دنبال آن است که در وقایع اخیر منافع حزب اله، بشار اسد سوریه و گروه‌های مدافع ایران در عراق را پشتیبانی کند^۳. شبکه‌ای فیلم نیز در سال ۲۰۱۰ مصادف با عید فطر ۱۳۸۹ تاسیس گردید که به صورت غیر مستقیم فرهنگ و اندیشه ایرانی را در قالب فیلم و سریال برای اعراب به نمایش می‌گذارد. این شبکه توانسته است به لحاظ معیارهای هنری، زیباشناسی و مخاطب قرار دادن غیرمستقیم اثرگذاری زیادی داشته باشد و طرفداران زیادی در میان اعراب پیدا کرده است^۴.

شبکه انگلیسی زبان "پرس تی وی" در سال ۱۳۷۶ با بودجه ۲۵ میلیارد تومانی تاسیس شد و یک سال گذشته وقایع جهان عرب را از زاویه دید ایران به نمایش گذاشته است^۵. مسلمانانی که در حال اعتراض از نمادهای اسلامی استفاده می‌کنند، الله اکبر می‌گویند، در مساجد تجمع می‌کنند و به سفارت اسرائیل حمله می‌کنند. این شبکه حتی اعتراضات شهروندان اروپایی و آمریکایی را نیز به صورت بیداری اسلامی تفسیر می‌کند که

1. <http://jjtvn.ir/>

2. <http://www.alalam.ir/>

3. <http://www.alkawthartv.ir/>

4. <http://www.ifilmstv.ir/>

5. <http://www.presstv.ir/>

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی ■ ۵۲۳

مقابله به مثلی است برای شبکه‌هایی مثل صدای آمریکا و بی بی سی در تحولات بعد از انتخابات ۸۸ ایران می‌باشد. در ۳۰ آذر ۱۳۹۰ نیز شبکه هیسپان تی وی برای هدایت افکار عمومی آمریکای لاتین تاسیس گردید.^۱

۴- نهادهای دانشگاهی: نهادهای دانشگاهی و حوزوی در ایران برای موضوع بیداری اسلامی، دیپلماسی عمومی بسیار ضعیفی داشته‌اند. اغلب انتقال پیام جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی شکل داخلی، نمایشی و یک طرفه داشته است. دانشگاه‌ها تنها به برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌هایی اکتفا کرده‌اند که حتی در انتخاب نام همایش نیز خلاقیت به خرج نداده‌اند و به زبان فارسی، توسط فارسی‌زبانان برای فارسی‌زبانان و در جهت ادای تکلیف اجرا شده‌اند. تقریباً اغلب دانشگاه‌های ایران همایش بیداری اسلامی را برگزار کرده‌اند که دانشگاه علامه طباطبایی به لحاظ عمق مطلب و آینده‌نگری از همه جلودارتر می‌باشد و در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

همایش "معناگرایی در علوم سیاسی و روابط بین الملل" - همایش "روابط بین الملل اسلامی" - همایش "اسلام سیاسی و تحولات اخیر خاورمیانه" دانشگاه علامه طباطبایی / کرسی آزاد اندیشی "انقلاب مصر و انقلاب ۵۷" ایران دانشگاه بوعلی همدان / همایش "بیداری اسلامی" دانشگاه فردوسی مشهد / همایش بیداری اسلامی "دانشگاه اصفهان / همایش "خزان دیکتاتوری‌ها در بهار بیداری اسلامی" دانشگاه پیام نور / همایش "نقش بیداری اسلامی در بیداری اسلامی" دانشگاه لرستان / همایش "انقلاب و بیداری اسلامی" دانشگاه تبریز و....

۵- نهادهای مردمی - مجلس - و احزاب: استفاده نکردن از ابزارهای شبکه‌ای، سایبری، مخاطب محور و دارای توانایی‌های گوش دادن باعث شده است که ایرانیان کمتر با شهروندان معترض جهان عرب کنش سیاسی در جهت همدردی انجام دهند. مردم ایران به صورت دسته جمعی در قالب راه‌پیمایی معمولاً بعد از نماز جمعه‌ها، عیدفطر، روز قدس و همین‌طور ۲۲ بهمن از انقلاب‌های عربی حمایت کرده‌اند. البته این حمایت‌ها بیشتر در جهت نقد سیاست‌های آل خلیفه و آل سعود در سرکوب مردم بحرین و یمن می‌باشد. مردم

1. <http://irna.ir/News/30789751>

ایران در مورد حمایت از شهروندان معترض لیبی، مصر، سوریه و عربستان خاموش هستند. مراجع تقلید نیز از نگرش شیعی جنایت‌های صورت گرفته در بحرین را بارها مورد نقد قرار داده‌اند. احزاب ایران بیشتر با استفاده از لابی‌های سیاسی، نگرش‌های تنگ نظرانه در پی حذف یکدیگر و به دست گرفتن مطلقه قدرت بدون وجود ارزیابی، انتقاد و گفتگو می‌باشد. در مورد دیپلماسی عمومی نیز هیچ‌یک پیشرو نبوده‌اند و تنها یک سال قبل دو حزب که به فرایند انتخابات ۸۸ اعتراض داشتند حمایت از مردم مصر و تونس را بهانه کردند تا اعتراضات خیابانی خود را سامان دهند.

مجلس نیز که مردمی‌ترین نهاد سیاسی ایران می‌باشد یکی از ناآگاه‌ترین و کم‌کارترین وجوه دیپلماسی عمومی ایران را به نمایش گذاشته است و جز انتقاد بر همه وجوه سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی هیچ فعالیت مفید و نهادی در جهت رسانیدن پیام ایران و مدیریت تحولات از خود نشان نداده است. نمایندگان و به خصوص کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به کم‌کاری دولت در مورد تحولات اخیر نقد دارند و می‌گویند چرا احمدی نژاد و وزیر اطلاعات و امور خارجه اش به دیدار اعراب سرکوبگری مثل امیران قطر، بحرین و عربستان می‌روند و برای آنها پیام می‌فرستند. چرا در کشورهای شمال آفریقا فعالیت عملی انجام نمی‌دهند و کمیته‌های انتقالی را به رسمیت نمی‌شناسند و در برابر ترکیه، عربستان و قطر منفعلانه برخورد می‌کنند. علی‌رغم این نقدها یکی از منفعلانه‌ترین نهادهای مردمی دیپلماسی عمومی در ایران مجلس می‌باشد.

آسیب شناسی دیپلماسی عمومی ایران

۱- ضعف سیاست‌گذاری دیپلماسی عمومی در ایران: نهاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰ مشغول تجدید ساختار می‌باشد و معاونت دیپلماسی عمومی به ریاست سخنگو در حال راه اندازی می‌باشد.^۱ آنچه در نوشتار پیرامون موضوع بیداری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت نشان‌دهنده نوعی موازی کاری نهادی، کمبود بودجه و نیروی انسانی و از همه مهم‌تر تطابق نداشتن اهداف دیپلماسی عمومی با تکنیک‌های به کار

1. <http://www.mfa.gov.ir/isec.aspx?lang=&menu=226>

گرفته بود. دیپلماسی عمومی ایران هنوز هدف اصلی و دال مرکزی که باید بر اساس آن پیام‌های ایران را به افکار عمومی منتقل کند شناسایی و اولویت گذاری نکرده است. هویت و قدرت نرم ایران کدام گزینه را شامل می‌شود؟ عرفان ایرانی، ادبیات فارسی، فقه شیعی، تکنولوژی‌های هسته‌ای، موشکی و ژنتیکی، توان رزمی مقاومت و بسیج مردمی، ولایت فقیه، فقه سیاسی، فقه شیعی، اسلام سیاسی، مقابله با غرب، فرهنگ شهادت و... همه گزاره‌هاییست که در مورد رویه‌های متافیزیکی، اخلاقی و اسلامی ایران نام برده می‌شود. این اهداف مورد پژوهش، اولویت گذاری و برنامه ریزی نشده‌اند و همین امر باعث شده است که وجوه ملی، مدرن، پسامدرن، اسلامی، شیعی و... توسط نهادهای مختلف با سیاست‌های مختلف دنبال شود که اغلب یکدیگر را قبول ندارند.

در اغلب سیاست‌گذاری‌های دیپلماسی عمومی آنچه مشهود است ضعف رسانه‌ای می‌باشد. نهادهای مجری سیاست خارجی در ایران اغلب دارای سایت فعال که خدمات آن لاین ارائه دهد نمی‌باشد. میل‌ها غیرفعال می‌باشد و سایت‌ها به صورت تابلو اعلانات می‌باشد. نهادهای دیپلماسی عمومی نیز بیشتر در قلمروی رسانه‌های توده‌ای و مصرفی مثل تلویزیون فعالیت می‌کنند و هنوز قدرت خارق‌العاده فضای سایبری را به رسمیت نشناخته‌اند. رسانه‌ها حتی صدا و سیمای ایران نیز به شدت دارای جهت‌گیری، یک طرفه بودن و غیرانتقادی است. بسیاری از همایش‌ها و سخنرانی‌ها نیز یک طرفه و بی‌ارتباط با مخاطبان می‌باشد. دیپلماسی عمومی ایران هنوز نتوانسته است با شهروندان عرب تماس داشته باشد و فاقد گوش و امکانات شنیداری است. به طور خلاصه می‌توان گفت که دیپلماسی عمومی ایران از بعد نهادگرایی دارای ضعف‌های زیر می‌باشد:

اهداف اولویت بندی نشده‌اند / کار پژوهشی بر روی اجرایی شدن اهداف و تکنیک‌های به کار گرفته شده انجام نشده است / دیپلماسی عمومی بسیار پرحرف و کم نتیجه‌ای را دنبال کرده ایم / نهادهای موازی بسیار زیادی درگیر کار شده‌اند / از فضای سایبری و قدرت نرم از اطلاعاتی بهره نگرفته‌ایم / رسانه‌های مکانیکی و توده‌ای در حال فعالیت می‌باشند / با بخش شهروندی و مردمی اعراب کم تر تماس داشته ایم / بودجه، نیروی انسانی و رسانه‌هایمان در ضعف شدید هستند / مشخص نیست که چه هدفی از

هویت و کسب وجهه ایرانی، توسط کدام نهاد، در مورد کدام قشر و مخاطب، با کدام ابزار، در چه مدت زمانی با چه بازدهی باید به اجرا گذاشته شود؟/ نبود سیاست‌گذاری مشخص در مورد دیپلماسی عمومی بزرگترین ضعف نرسیدن به اهداف می‌باشد.

۲- الزامات متنی: جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که فلسفه سیاسی آن بر اساس اسلام سیاسی پایه گذاری شده است با توجه به قرآن، احادیث و سیره پیامبر و صالحان توانسته است مجموعه‌ای از گزاره‌ها را در باب دیپلماسی اسلامی بیان دارد که در اصول قانون اساسی ذکر شده است. روابط بین‌الملل اغلب رویه‌ای آنارشیک، واقع‌گرا، دولت محور و مصلحت محور است که گزاره‌های هنجاری دیپلماسی اسلامی را بر نمی‌تابد. در واقع فاصله میان هست‌های روابط بین‌الملل و بایدهای دیپلماسی اسلامی را باید بر منطق سیاستگذاری متنی برنامه ریزی کرد که به برخی از این الزامات متنی اشاره می‌شود. بسیاری از پیام‌های دیپلماسی عمومی ایران باید الزامات متن سنتی، مدرن و پسامدرن را رعایت کند تا بتواند با افکار عمومی اثرگذار باشد. پیام‌های اسلامی در روابط بین‌الملل نیاز به مبانی قدرتمند، اخلاق عملی، ساختار بروکراتیک و ابزارهای سایبری می‌باشد.

الف- الزامات متنی سنتی: در ابتدای اسلام پیامبر اکرم(ص) اجتماع مسلمانان را بر اصول تقوا، وحی، اخلاق و احکام اسلامی بنیاد و اصول قبیله، غنیمت و عصبیت اعراب را کنار نهاد. بر این اساس پیامبر در ارتباط با کشورها، امپراطوری‌ها و به خصوص سایر قبایل دیپلماسی بسیار اخلاقی و فردی را اجرا می‌کرد. دستورات متفاوتی یکی اسلام در قلمرو دیپلماسی به علت استبدادی و قبیله‌ای بودن سایر قدرت‌ها به صورتی کاملاً کیفی و اخلاقی تعریف می‌شد. پیامبر با فرستادن نامه، هدیه دادن و گرفتن سعی داشت بر سران قبایل و مستبدان امپراطوری و سلطنت تاثیر بگذارد تا آنها به دین اسلام برگردانند. به علت استبدادی بودن، اشرافی بودن و رعیت محوری فرایندهای سیاست در دوران قدیم دیپلماسی اسلامی شکلی بسیار اخلاقی، فردی و کیفی داشت. مهمترین قواعد آن روزگار در دیپلماسی اسلامی وفای به عهد، دعوت، تبلیغ، جهاد، راست گویی و... بود. پیامبر با جوانان، زنان و طبقات پایین چنان رفتار می‌کرد که سریع دعوت را پاسخگو بودند و اشراف را نیز احترام می‌گذاشت. دیپلماسی اسلامی بیشتر در این خلاصه می‌شد که سفیران

و نمایندگان پیامبر حافظان قرآن و انسان‌هایی خوش صوت و سخنران و بسیار زیبا و با کمالات اخلاقی بودند. زمانی که آنها بر خود حکمرانی می‌کردند می‌توانستند قلب‌های سایر انسان‌ها را جلب کنند. تقوا و شیوه‌های نامه نوشتن، هدیه دادن و اخلاق کیفی از الزامات قدیمی دیپلماسی اسلامی است که در دوره‌های اولیه تاریخ اسلام قابل مشاهده است.

ب- الزامات متنی فیزیکی: تنها پیامبر، برخی خلفا و ائمه و بعضی از سلاطین و خلفای اسلامی توانستند دیپلماسی اسلامی را به گونه‌ای پیاده سازند که اهداف استقلال، امت اسلامی، ظلم ستیزی و... را برآورده سازند. البته اغلب سلاطین و خلفا خود به دام استبداد، رعیت ستیزی و ظلم گرفتار می‌شدند. به تدریج جهان اسلام به دوره‌ای جدید پا گذاشت و بعد از مشروطه در ایران و از سال ۱۹۰۰ به بعد در جهان اسلام با فروپاشی بنیادهای خلافت و ایجاد دولت ملی، دیپلماسی اسلامی متن جدید فیزیکی را تجربه کرد. این متن مبتنی بر قانون، دولت ملی، انتخابات و سیستم‌های بروکراسی بود.^۱ به تدریج دیپلماسی اسلامی می‌بایست خود را با فرایندهای جهانی‌ای که در قالب دولت ملی بعد از عهدنامه وستفالی شکل گرفته بود وفق دهد. زمینه مدرن و فیزیکی دیپلماسی اسلامی مبتنی بر ایجاد دولت ملی اسلامی، قانون اساسی اسلامی، دستگاه بروکراتیک اسلامی و از همه مهمتر ساختار وزارت امور خارجه اسلامی بود که بتواند از طریق دانشگاه و مدارس اسلامی نیروی متعهد و متخصصی را تربیت کند که در روابط بین‌الملل منافع کشورهای اسلامی و ایران را تامین کند. بنابراین در دوره فیزیکی قانون، توسعه، پیشرفت، دموکراسی، دانشگاه، بروکراسی و شیوه‌های فیزیکی رفتار سیاسی در بعد خارجی مورد توجه دیپلماسی اسلامی قرار گرفت.

ج- الزامات متنی اطلاعات: متن سومی که دیپلماسی اسلامی در آن قرار گرفت شرایطی بود که از ۱۹۹۰ به بعد در جهان به نام عصر اطلاعات، دنیای کوانتوم و شرایط جهانی شدن در حال به وقوع پیوستن بود. اکنون دولت-ملت‌ها تولید و توزیع انحصاری

۱. برای دریافتن اهمیت بروکراسی و چارچوب‌های مکانیکی اعمال و محدود کردن قدرت بنگرید به: فصل

سوم صص ۴۲-۷۴ و فصل ششم و هفتم صص ۱۱۴-۲۰۸

Meier, Kenneth, J- John Bohte (2007), *Politics And The Bureaucracy, United States: Thomson Wadsworth*

خود را در تولید ارزش، اطلاعات و قدرت از دست داده‌اند. مرزهای دولت ملی کم‌رنگ شده است و فضاهای مجازی و سایبری شکل گرفته است که در آن شهروندان جهان به صورت مخاطبان فعال به کنشگری مشغول هستند. دولت‌ها و دستگاه‌های وزارت امور خارجه الکترونیکی، کوچک و کارآمد شده‌اند. سیستم‌های کنترل و انضباطی شکل گرفته است. رسانه‌های سایبری ارتباطات اجتماعی و شبکه‌های جهانی فضای جدیدی به نام قدرت نرم را شکل داده‌اند. اکنون الزام دیپلماسی اسلامی آن است که بتواند در عصر اطلاعات نمادها، سازه‌ها و رویکردهای خود را به نحوی تنظیم کند که با شرایط جهانی شدن و اوج گرفتن جنبش‌های مدنی و جهانی همراه باشد. دیپلماسی اسلامی در عصر اطلاعات باید از طریق رسانه‌ها و فضای سایبری اسلامی و برقراری همایش و بورسیه دانشجویی برافکار عمومی و هویت‌های سیال جهانی اثرگذار باشد. متن بازی تغییر کرده است و از شکل نیوتن به شکل کوانتومی عوض شده‌اند، بنابراین متناسب با این فضا باید با استفاده از وبلاگ، وب‌سایت، نمایشگاه، دانشگاه، وجهه مناسب در بحران‌ها، ایجاد رسانه‌ها و شبکه‌های سایبری و برقراری نمایشگاه و کلاس و بورسیه دانشجویی به اثرگذاری هویتی و کاملاً مثبت از اسلام دست زد به نحوی که شکل منفی و تبلیغاتی پیدا نکند و بر ضد ایران به کار گرفته نشود چرا که برعکس دنیای مکانیکی، با جهانی زنده و پویا سروکار داریم.

۳- موانع ساختاری: هرکس دوست دارد محیط پیرامون خود را براساس عقاید ذهنی‌اش ساماندهی کند. ایران در مورد جریان‌های معترض وضع موجود در جهان عرب دارای اهدافی است که به دنبال محقق کردن آنها است. هدف اول ایران ایجاد وحدت اسلامی و پایه‌گذاری امت اسلامی است تا از طریق آن بتواند کنفرانس اسلامی تشکیل دهد که دارای وحدت رویه باشد. پول واحد اسلامی، اقتصاد اسلامی، مدیریت و علوم انسانی اسلامی و از همه مهمتر وحدت جهان اسلام در مقابل غرب، آمریکا و اسرائیل هدف اصلی ایران است. هدف دوم ایران در مورد کشورهای اسلامی قدرت‌گیری احزاب و سیاستمداران اسلامی است که شریعت اسلامی و احکام آن را پیاده سازند. براین اساس پوشش و حجاب، احکام فقهی و در آخر معنویت و اخلاق اسلامی بر جوامع حاکم باشد. هدف سوم ایران در مورد کشورهای اسلامی شکل دهی ائتلافی است که در آن کشورهای

حاشیه ای مثل آفریقایی ها، کشورهای آمریکای لاتین و جنبش های مظلوم مورد حمایت قرار گیرند. ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم هدف دیپلماسی ایران در مورد اعتراضات اخیر در جهان عرب است. این اهداف زمانی که سطوح اجرایی و برخورد با واقعیت می آیند با موانع ساختاری ای مواجه می شوند که به راحتی قابل حل نیستند. در اغلب کشورهای عربی که در حال شورش هستند دو نیروی بسیار قدرتمند وجود دارد که با ایران سرسازش ندارند. نیروی اول سلفی ها و گرایشات اسلام سیاسی اهل سنت است که حاضرند با آمریکا و غرب مذاکره کنند اما ایران را قبول ندارند. دوم جریان های دموکرات و سکولاریستی است که با ماهیت مذهبی و اسلام سیاسی سرسازش ندارند. در واقع ایران می خواهد با کشورهای عرب تجدید نظر طلب انقلابی وارد گفت و گو شود اما برخی از موانع ساختاری باعث شده که در این راه چندان موفق نباشد و فضای مشترک کمی ایجاد شود. یکی از موانع ساختاری، اقتصاد ضعیف، وابسته، رانتی و اغلب همشکل کشورهای اسلامی است. کشورهای اسلامی نیاز به بازار، سرمایه، تکنولوژی و نیروی انسانی کشورهای غربی و پیشرفته دارند و در دنیای اقتصاد بین الملل رقیب یکدیگر محسوب می شوند. این گزاره باعث شده است که رهبر اخوان المسلمین با سفیر آمریکا دیدار می کند و ورود جهانگردان خارجی را ممنوع نمی داند. از سوی دیگر تعارضات قومی مثل ترک، عرب، فارس و... و تعارضات مذهبی مثل شیعه، سنی و... باعث شده است که ترکیه، قطر و عربستان نسبت به ایران و عنصر شیعی نگران باشند و هر گونه اقدام ایران را نوعی تهاجم به سلطه خود قلمداد کنند. بنابراین مانع ساختاری قومی، زبانی و به خصوص فرقه ای باعث شده که ایران نتواند وارد گفت و گوی مناسب و دیپلماسی اثرگذار در کشورهای اسلامی شود. یکی دیگر از موانع ساختاری بی تجربگی مسلمانان در امر حکومت است. ایرانیان نزدیک به سه دهه تجربه حکومت اسلامی دارند و توانسته اند میان حقیقت - واقعیت - شریعت - مصلحت و... نزدیکی ایجاد کنند. اما کشورهای عربی دارای مسلمانان بنیادگرای سلفی از یک سو و روشنفکران لیبرال و انتقادی سکولار هستند که هیچ یک به اصول و مبانی شیعی، ایرانی جمهوری اسلامی ایران باور ندارند و به عنوان غیریت با ایران برخورد می کنند. ایران بسیار تلاش می کند که در تحولات منطقه بازی را

به نفع خود چرخش دهد. به نظر می‌رسد علاوه بر ضعف نهادی، نیروی انسانی و بودجه، برخی از اهداف ایران در دیپلماسی منطقه دارای موانع ساختاری برای پیاده شدن است. این موانع ساختاری باعث شده که جمهوری اسلامی ایران نتواند آن‌طور که تفسیر و فهم از اسلام سیاسی دارد و در اصول قانون اساسی خود آورده است بتواند در منطقه اثرگذار باشد. اکنون الگوهای دیپلماسی سلفی وابسته قطر، عربستان، مدرن مدنی سکولار ترکیه و اسلام‌می - شیعی ایران در حال رقابت برای به دست آوردن کسب وجهه مدیریت نسبی تحولات اخیر هستند.

نتیجه‌گیری

در دهه اول قرن بیست و یکم کشورهای عربی بر فساد، عقب افتادگی، استبداد، نابرابری، فقر، بیکاری و حقارت ناشی از سیاستهای بسته حاکمان خود قیام کردند. اکنون یک سال از انقلاب کشورهای عربی می‌گذرد. انقلاب‌های پسامدرنی که دارای رهبر، ایدئولوژی و حزب مشخص نیست و اغلب به صورت چند صدایی، متکثر و جنبش‌های سراسری هستند که از فضاهاى مجازى و شبکه‌های اجتماعی شروع می‌شوند و با استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعاتی به سطوح واقعی زندگی اعتراضی و مدنی کشیده می‌شوند. در این میان ایران وارد دیپلماسی بسیار پیچیده‌ای شده است. ایران علاقه‌مند است که کشورهای عرب سنتی محافظه کار منطقه که همکاران و متحدان آمریکا و اسرائیل هستند و پایگاه در اختیار کشورهای مخالف ایران قرار می‌دهند دچار نابسامانی شوند. ایران بسیار علاقه‌مند است که در عربستان، یمن، بحرین و حتی آذربایجان مردم، رژیم‌های سرکوبگر و استبدادی خود را پایین بکشند. از سوی دیگر ایران در مورد مصر، لیبی و تونس بسیار نگران دخالت نظامیان و نیروهای سکولاری است که از سوی آمریکا وارد عمل می‌شوند. در مورد سوریه اما ایران از اینکه نیروهایی روی کار آیند که طرفدار آمریکا و اسرائیل باشند و حزب الله و حماس را یاری نرسانند نگران است. بنابراین بازی دیپلماسی ایران در سطح منطقه چندوجهی است. قطر و عربستان از رانت‌های نفتی خود بهره می‌گیرند و با شبکه‌های الجزیره و العربیه سعی می‌کنند سیاستهای ضدایرانی خود را دنبال کنند و با

رانت‌های اطلاعاتی اقتصادی و امنیتی به سرکوب مردم معترض عرب پردازند اما از تحولات سوریه حمایت می‌کنند. اعراب خلیج فارس در حال قمار اطلاعاتی با غرب هستند و با آنکه از جریان‌های سلفی بنیادگرا حمایت می‌کنند و از سوی دیگر هرگونه اقدام دموکراتیک و آزادی خواهانه را سرکوب می‌کنند اما اتحادیه اروپا و به خصوص آمریکا همانند جریان طالبان در حال تکرار یک خطای استراتژیک هستند. ایران در این میان با سازوکارهای مکانیکی در حال انتقال پیام به اعراب می‌باشد. با تمام موفقیت‌ها و کارهای صورت گرفته ضعف نیروی انسانی، تکنولوژی، نهادی و منطبق نبودن آرمان‌ها و واقعیات در دیپلماسی عمومی ایران کاملاً مشهود است.

راه‌کارهایی برای دیپلماسی عمومی (نتایج مقاله)

الزام دیپلماسی عمومی داشتن امکانات گوش دادن، شنیدن و کسب اطلاعات می‌باشد. در این راستا نظرسنجی، مصاحبه و ارتباط بیشتر با شهروندان و فعالان فکری، سیاسی و مدنی درگیر در بیداری اسلامی می‌تواند در جهت کسب اعتبار و وجهه ایران یاری رسا باشد. توجه به فضای سایبر و رسانه‌های جدید و به خصوص راه‌اندازی دولت الکترونیک، اینترنت پرسرعت، حمایت از سازمان‌ها، اصناف و شبکه‌های اجتماعی در راستای رساندن پیام ایران با احترام به هویت‌های عربی می‌تواند بسیار کارا باشد. قدرت اکنون در فضای سایبر و جهان زیست‌های اطلاعاتی است که بسیار کاربر محور می‌باشند. سطوح کلی دیپلماسی ایران باید به سه بخش رسمی، پنهان و عمومی تقسیم شود. دیپلماسی عمومی ایران با رویه‌های چانه زنی، مذاکره، حضور مستقیم و مخاطرات ریسک را پذیرفتن فاصله دارد. آنچه دیده می‌شود شعارها و اهداف کلی مندرج در سخنرانی‌ها، همایش‌ها و نمادهای تلویزیونی است اما در عمل تکنیکی برای عملیاتی ساختن آنها وجود ندارد. بخش واقع‌گرای اقتصادی، امنیتی و سیاسی ایران برای ایجاد قدرت هوشمند بسیار ضعیف است.^۱

۱. اخیراً در واژگان علوم سیاسی قدرت هوشمند برای تلفیق قدرت نرم و سخت کاربرد دارد. قدرت نرم از قبیل مانور رسانه‌ها، همایش، بورس، نمایشگاه، ورزش و اقدامات فرهنگی به تنهایی کافی نیست و باید با

بخش عمومی در مورد ارتباط مردم و حمایت شهروندان بسیار ضعیف است. ایران از یکسو باید وجوه اقتصادی و روابط امنیتی با منطقه را افزایش دهد از سوی دیگر با راه اندازی نمایشگاه، همایش و به خصوص استفاده از ورزش و بورس تحصیلی به صورت کاملاً ناخودآگاه با جهان عرب ارتباط برقرار کند.

سازمان کنفرانس اسلامی در حاشیه اتحادیه عربی قرار گرفت. ایران باید در قالب راه انداختن ارتش اسلامی، بانک اسلامی، پول واحد اسلامی با رویکردی منطقه‌گرا به سمت فعال کردن دیپلماسی عمومی منطقه‌ای حرکت کند. بهترین نهاد دیپلماسی عمومی ایران سازمان کنفرانس اسلامی است که باید از حالت نمادین و حاشیه‌ای به مرکز کشانده شود. لزوم فعال کردن آن حضور بیشتر، واقع‌گرایانه‌تر و چند بعدی در محیط منطقه و جهانی است.

دیپلماسی عمومی ایران اغلب صورتی توده‌ای، تلویزیونی و یک طرفه دارد. برای ارتباط برقرار کردن نیاز به راستی، بی‌طرفی و توجه به متن‌های متفاوت در جهان عرب داریم. دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی‌های کلاسیک به اخلاق و ارزش‌های انسانی باور دارد و نباید آن را با تبلیغات و جنگ روانی اشتباه گرفت. راستی، تعهد، آزادگی و بی‌طرفی حرفه‌ای در دیپلماسی عمومی بلندمدت نتیجه می‌دهد.

نقطه ضعف عملی ایران در دیپلماسی عمومی پیرامون بیداری اسلامی موضوع سوریه می‌باشد. در مورد این کشور حمایت بی‌چون و چرای ایران از بشار اسد در حال از بین بردن وجهه و نفوذ ایران در منطقه می‌باشد. ایران باید به صورت رسمی و شفاف جلودار کنار رفتن اسد و برگزاری انتخابات در سوریه شود تا اعراب مستبد، آمریکا و اسرائیل، مردم سوریه را در برابر ایران قرار ندهند.

مذاکرات واقعی، معامله‌های امنیتی و سود و زیان‌های اقتصادی همراه شود. تحقیقات جدی جوزف نای در مورد اشتباهات آمریکا در خاورمیانه و پیشنهاد قدرت هوشمند جالب است. در کتاب زیر نیز محقق از طریق مفهوم قدرت هوشمند سیاست خارجه آمریکا در قبال ایران و عراق را نقد می‌کند. برای دریافت بهتر قدرت هوشمند به کتاب زیر رجوع کنید (فصل پنجم در مورد ایران است صص ۶۷-۱۱۷):

Carpenter, Ted Galen (2008), *Smart Power: Toward a Prudent Foreign Policy for America*, Washington, D.C: Cato Institute

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی ■ ۵۳۳

داشتن بودجه کافی در نهاد تازه تاسیس دیپلماسی عمومی بسیار ضروری است. برای سیاست‌گذاری اثربخش این نهاد نیاز به ابزارها و نیروی انسانی متخصص داریم. ضعف کنونی نبود نیروی انسانی است که در زمینه‌های قدرت نرم ایران و شیوه‌های عملیاتی آن کار انجام دهد.

ارائه برنامه‌ای بلندمدت که اولویت‌اهداف را در مورد دیپلماسی عمومی منطقه مشخص کند ضروری است. برای هماهنگ‌سازی باید وظایف نهادها، بودجه کافی، نیروی انسانی، ابزارها و سطوح اثرگذاری مشخص شود.

فهرست منابع و مآخذ

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۵)، چالش میان فارسی و عربی، تهران: نی آرت، هانا (۱۳۹۰)، وضع بشر، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس
- پطروشفسکی، ای پی (۱۳۵۴)، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام
- جابری، محمدعابد (۱۳۸۹)، نقد عقل عربی، ترجمه سید محمد آل مهدی، تهران: نسل آفتاب
- عدل، منصورالسلطنه (۱۳۸۸)، حقوق اساسی یا اصول مشروطیت، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران: نشر چشمه
- فوکو، میشل ۱ (۱۳۸۹)، تولد زیست جهان، ترجمه رضا نجف زاده، تهران: نی فوکو، میشل ۲ (۱۳۸۹)، تئاتر فلسفه، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی ملّاح، خسرو (۱۳۸۵)، حافظ و عرفان ایرانی، تهران: فرزانه روز

منابع لاتین

- Althusser, Louis (1971), **Lenin And Philosophy and Other Essays**, Translated from the French by Ben Brewster, York And London: Monthly Review Press
- Arjomand, Said Amir (1988), **the turban for the crown**, The Islamic revolution in Iran, oxford.
- Berridge, G.R.- Alan James (2001) **A Dictionary of Diplomacy**, New York: Palgrave Macmillan
- Beyme, Beyme (2006), Political Institutions—Old and New, In The Book: **The Oxford Handbook Of Political Institutions**, General Editor: Robert E. Goodin, London: Oxford University Press
- Brig. Gen. (Ret.) Dr. Shimon Shapira and Daniel Diker, (2007) Iran's Second Islamic Revolution: Strategic Implications for the West: pp 33-55, In the book: **Iran hizbulah, hamas**, x Jerusalem Center for Public Affairs: www.jcpa.org
- Carpenter, Ted Galen (2008), **Smart Power: Toward a Prudent Foreign Policy for America**, Washington, D.C: Cato Institute
- Corbin, Henry (2007), **Spiritual Body And Celestial Earth From Mazdean Lran To Shi'ite Lran** Translated From The French By Nancy Pearson Bollingen Series Xci:2 Princeton University, Press
- Hay, Colin (2007), **why we hate politics**, London: polity press
- Hocking, Brian (2005) Rethinking the 'New' Public Diplomacy, in the book **The New Public Diplomacy Soft Power in International Relations**, Melissen, Jan, New York: Palgrave Macmillan
- Izadi, Foad and Richard Nelson (2009), Ethics and Social Issues in Public Diplomacy in the book: **Routledge Handbook of Public Diplomacy**, Edited by Nancy Snow, Philip M. Taylor, London and new York: Routledge
- Jessop, Bob (2006), The State and State-building, In The Book: **The Oxford Handbook Of Political Institutions**, General Editor: Robert E. Goodin, London: Oxford University Press
- Meier, Kenneth, J- John Bohte (2007), **Politics And The Bureaucracy**, United States: Thomson Wadsworth
- Mueller, Sherry (2009), The Nexus of U.S. Public Diplomacy and Citizen Diplomacy, in the book: **Routledge Handbook of Public Diplomacy**, Edited by Nancy Snow, Philip M. Taylor, London and new York: Routledge
- Nye Jr, Joseph S (2008), **The Powers To Lead**, London: Oxford University Press
- Rhodes, R. A.W. (2006), Old Institutionalisms, In The Book: **The Oxford Handbook Of Political Institutions**, General Editor: Robert E. Goodin, London: Oxford University Press

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در بیداری اسلامی ■ ۵۳۵

Taylor, Philip M. (1997), Global Communications, International Affairs And The Media Since 1945, in the book: **Routledge Handbook of Public Diplomacy**, Edited by Nancy Snow, Philip M. Taylor, London and new York: Routledge

سایت‌ها

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=17271/>

[http://islamic-awakening.ir/?lang=fa/-](http://islamic-awakening.ir/?lang=fa/)

<http://www.miu.ir/?siteid=1&siteid=1&pageid=170/>

http://www.taqrrib.info/persian/index.php?option=com_content&view=article&id=1217:-50

[_ 1](http://www.taqrrib.info/persian/index.php?option=com_content&view=article&id=1217:-50)
[/catid=43:taghribnews&Itemid=55/](http://www.taqrrib.info/persian/index.php?option=com_content&view=article&id=1217:-50)

http://www.taqrrib.info/persian/index.php?option=com_content&view=article&id=1189:1390-10-12-09-48-35&catid=45:reports&Itemid=57

<http://www.taqrrib.info/persian/>

<http://iwpeace.com/>

<http://iict.ac.ir/>

<http://farsi.khamenei.ir/package?id=18164>

<http://www.persianweek.com/artist-news/others-لیبیان-پناهندگان-کمپ-آنجلینا-از-مملت-های-عرب>

<http://www.mashreghnews.ir/fa/news/96833> درخواست-آنجلینا-جولی-از-ملت-های-عرب

<http://www.mfa.gov.ir/NewsShow.aspx?menu=-1&id=2734&lang=>

<http://www.jamnews.ir/NSite/FullStory/News/?Id=51933>

<http://www.icro.ir/index.aspx?siteid=261&pageid=21789&newsview=576973>

<http://www.icro.ir/>

<http://www.ghatreh.com/news/nn8532834> -نشست-خبری-«جایزه-جهانی-بیداری-اسلامی»

[برگزار-شود](#)

<http://jivn.ir/>

<http://www.alalam.ir/>

<http://www.alkawthartv.ir/>

<http://www.ifilmtv.ir/>

<http://www.presstv.ir/>

<http://irna.ir/News/30789751>

<http://www.mfa.gov.ir/isec.aspx?lang=&menu=226>